



Peter Lamborn Wilson

پیتر لامبورن ویلسون

عبدالله اوجالان

ابتکار عمل آزادی برای اوجالان



پیتر لامبورن ویلسون

عبدالله اوجالان

ابتکار عمل آزادی برای اوجالان

نام کتابچه: عبدالله اوجالان
نویسنده: پیتر لامبورن ویلسون
موضوع: ابتکار عمل بین‌الملل برای آزادی عبدالله اوجالان
طراحی و صفحه‌آرایی: مرکز انتشارات پژاک
چاپخانه: شهید جگرخوین
انتشارات: مرکز انتشارات پژاک
چاپ اول ۱۴۰۲



فهرست

۵

۷

پیشگفتار
عبدالله اوجالان

پیشگفتار

ابتکار عمل بین‌الملل « آزادی برای عبدالله اوجالان - صلح برای کردستان »، یک کمپین فراملیتی صلح، برای آزادی رهبر آپو و راه حلی مسالمت آمیز برای مسأله کورد می‌باشد. این [کمپین] فوراً پس از ربوده شدن رهبر آپو و استرداد وی به جمهوری ترکیه در نتیجه همکاری سرویس‌های اطلاعاتی در ۱۵ فوریه ۱۹۹۹، تأسیس شد. بخشی از فعالیت‌های این کمپین به انتشار آثار رهبر آپو اختصاص یافته است. کتابچه‌ی «عبدالله اوجالان»^۱ نوشته‌ی پیتر لامبورن ویلسون یکی از کتابچه‌های مجموعه «برساخت حیات آزاد: دیالوگ‌هایی با اوجالان»^۲ می‌باشد که همگی این مجموعه در یک کتاب جمع شده‌اند، این کتاب حاوی مجموعه مقالاتی از نویسندگان، متفکران و انقلابیون جهانی است تا در مورد افکار رهبر آپو نظرات خود را بیان دارند تا فضای دیالوگی حول اندیشه‌ی رهبر آپو شکل بگیرد. این مقالات برای نخستین بار، واکنش‌های مکتوب به نوشته‌های زندان رهبر آپو را گردآوری نموده و شماری از آکادمیسین‌ها، نویسندگان، و انقلابیونی را که به اندیشه‌های وی علاقه‌مند هستند یا از تفکرات وی الهام گرفته‌اند، دور هم جمع کرده است. ترجمه این مجموعه به زبان‌های مختلف، تلاشی است برای گسترش و ژرفا بخشی هر چه بیشتر به دیالوگ موجود. امید است که اثر حاضر، دیوارهای زندان را نیز درنوردد، چرا که حصر و انزوای شدید اعمال شده بر زندان جزیره امرالی، اندک مجال برای دیالوگ با ایشان بر جای گذاشته است. با توجه به اینکه نوشتن به وسیله‌ای برای رهبر آپو بدل شده، تا به واسطه آن بر انزوا و حصر غلبه نموده و با طیف گسترده‌تری از مخاطبان ارتباط برقرار نماید، امیدواریم مجموعه‌ی مذکور بتواند راهگشای مخاطبان گردد تا از این طریق در تلاش‌های وقفه‌ناپذیر و فزاینده رهبر آپو جهت برساخت جهانی بهتر، سهمیم گردند.

1 - Abdullah Ocalan

2 - BUILDING FREE LIFE: Dialogues with Ocalan

عبدالله اوجالان

اخيراً، تجربه نادر و غریبی داشتم که کتابی را از کسی که شخصاً وی را نمی‌شناسم برداشتم و متوجه شدم که نویسنده، در باب موضوعی خاص دقیقاً مانند من می‌اندیشد. موضوع، اساطیر سومری بود. افراد زیادی تا به حال به خود زحمت نداده‌اند که درباره اساطیر سومری بیاندیشند، و تا به حال می‌پنداشتم که افکارم در مورد آن، منحصر به فرد است. در مورد نویسنده، جای تعجب نیست که من هرگز با وی ملاقاتی نداشته‌ام، زیرا وی از سال ۱۹۹۹ در زندانی واقع در جزیره‌ای در دریای مرمرة ترکیه در سلول انفرادی محبوس است. نام او عبدالله اوجالان است و «حزب کارگران کردستان» را در دهه ۷۰ بنیان گذاشت؛ دورانی که وی به فلسفه سیاسی مارکسیسم انقلابی ناسیونالیستی جهان سومی پایبند بود، فلسفه‌ای که من هیچگاه با آن موافق نبوده‌ام (من از سال ۱۹۸۴، یک فعال آنارشیزم، و از کودکی یک آنارشیزم فلسفی بوده‌ام). در دهه ۱۹۷۰ از کردستان ایران دیدن کردم اما فقط به دیدار با دراویش علاقه داشتم. (آنها چاقو را به گونه‌های خود می‌چسبانند، عقرب‌ها را به دست می‌گرفتند، لامپ می‌خوردند و نوازندگان فوق العاده‌ای بودند). من همیشه مجذوب گردهای بودم که بزرگترین ملت بدون دولت جهان بودند - لیکن هیچ علاقه‌ای به پکک نداشتم؛ [حزبی] که من آنرا مظنون به استالینیزم می‌دانستم. با این حال، اخیراً حقایق جالبی را از مقالاتی که توسط رفقای آنارشیزم نوشته شده بود، کسانی که آن‌ها را می‌شناسم و به آنها اعتماد دارم، آموختم. مطالبی که از این منابع فرا گرفتم، مرا به تعجب واداشت. اوجالان در زندان وقت زیادی برای مطالعه داشت و به مرور زمان مارکسیسم را کنار گذاشت. وی با مطالعه آثار مورای بوکچین^۱ فقید و نمونه زاپاتیزم‌ها، به طرز فکر جدیدی گرایید. گرچه او از واژه «آنارشیزم» استفاده نمی‌کند، در واقع، او به یک طرفدار دمکراسی مستقیم رادیکال ضد اقتدار، یا به قول خودش، «کنفدرالیسم دمکراتیک»، بدل شده است. او سه جلد از نوشته‌های زندان را گردآوری کرده است؛ نوشته‌هایی که به نحوی از زندان گریخته و انتشار یافته‌اند (از جمله با ترجمه انگلیسی). این آثار، در قیام عمومی علیه دولت سوریه و تدارک انقلابی در روزاوا بر پایه «دمکراسی بدون دولت»، الهام بخش پکک شده‌اند. در واقع، گرچه نه در مقام لفظ، اما در مقام عمل این انقلابی آنارشیزمی است، مانند زاپاتیزم‌ها، و تا کنون یک انقلاب

موفق بوده است. به این ترتیب، این انقلاب، همپایهٔ انقلاب آنارشستی در طول جنگ داخلی اسپانیا است و سزاوار همبستگی هر ضداقتداگرایی در جهان می‌باشد. در جهانی خالی از امید انقلابی، روزاوا از این امید برخوردار است. در آینده، البته اگر آینده‌ای وجود داشته باشد، همه ما در این مورد به قضاوت خواهیم نشست که آیا از آن حمایت کرده‌ایم یا نه. به عقیده من، ایده آنارکو فدرالیسم (یعنی کنفدرالیسم)، نخستین بار توسط پیر جوزف پرودون^۱ در شاهکارش، «اصل فدراتیو» (که ترجمه انگلیسی آن موجود است)، مطرح گشت و متعاقباً مورد حمایت همه آنارشیست‌های اجتماعی قرار گرفت؛ از مورای بوکچین گرفته تا معاون فرمانده مارکوس^۲. به طور خلاصه: جامعه از پایین به بالا در گروه‌های خودمختار سازماندهی می‌شود که نه نمایندگان - بلکه نمایندگان قابل عزل - را به کنفرانس‌های منطقه‌ای می‌فرستند، جایی که می‌توان تصمیم‌های اجرایی در مورد اهداف مشترک، تولید و خوددفاعی را پیاده نمود. آزادی، ابتدا به واسطهٔ فرد و سپس از طریق جوامع دمکراتیک مستقر خواهد شد. کنفرانس‌ها به اراده خلق متعهد خواهند بود. این ایده که انقلاب باید بر مبنای آزادی زنان به موفقیت برسد یا شکست بخورد، نخستین بار توسط «چارلز فوریه»^۳، سوسیالیست آرمانگرا، پیشنهاد شد. این اصل تا زمان انقلاب روزاوا، از جانب تمامی انقلاب‌های تاریخی نادیده انگاشته شد. بر پایهٔ ضوابط «قرارداد اجتماعی» آنها، هر گروه سازمان‌یافته باید حداقل از ۴۰ درصد زنان تشکیل شود - و روزاوا در حال حاضر به داشتن شبه‌نظامیان تماماً زن معروف است. به گفته اوجالان، بردگی زنان توسط مردسالاری، شالوهٔ «تمدن» را شکل می‌دهد و قبل از همه بی‌عدالتی‌ها، باید حل شود. با این حال، قبل از پرداختن به ایده‌های اوجالان درباره خاستگاه تمدن و از خود بیگانگی در اساطیر سومری، باید یک نکته حیاتی دیگر در مورد وضعیت کنونی انقلاب روزاوا (ژانویه ۲۰۱۶) را متذکر شوم. این سرزمین، توسط دریایی از دشمنان بالقوه و بالفعل احاطه شده است. دولت سوریه، نیروهای «سوریه آزاد» (عمدتاً اسلام‌گرایان سنی)، ترک‌ها، ایران، اعراب و آمریکایی‌ها (که پکک را به عنوان «تروریست» طبقه‌بندی می‌کنند)،

۱- Pierre-Joseph Proudhon (۱۸۱۵ - ۱۸۰۹)؛ جامعه شناس و فیلسوف انقلابی فرانسوی، از برجسته ترین اندیشمندان آنارشئیست، و در واقع نخستین کسی که خود را آنارشئیست خواند.

۲- Subcomandante Marcos؛ سخنگوی ارتش رهایی بخش ملی زاپاتیستی در مکزیک می باشد و بخش عمدهٔ بیانیه های جنبش به قلم وی می باشد.

همگی در مقابل روزاوا قرار گرفته‌اند؛ اما بدترین و فعال‌ترین دشمن آن، داعش است؛ یعنی خلافت اسلامی، که دقیقاً مشابه فاشیسم اسپانیایی است - منتها اندکی بدتر. اگر روزاوا اصل حیات را نمایندگی کند، خلافت نماینده مرگ است؛ به همین سادگی. شگفت‌آور است که هر وضعیتی در این دنیای «مدرن پیچیده» می‌تواند بسیار واضح باشد. داعش شیطان است؛ روزاوا نیک است. داعش باید نابود گردد، روزاوا باید صیانت شود.

در لوح نوشته ای به خط میخی، موسوم به فهرست پادشاهان سومری، آمده است که: «سلطنت نخستین بار از بهشت در شهر اریدو^۱ (شهری در جنوب سومر) نازل شده است». بین‌النهرینی‌ها معتقد بودند اریدو قدیمی‌ترین شهر (یا تمدن) جهان است و باستان‌شناسی مدرن این اسطوره را تایید می‌کند. اریدو حدود ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد تأسیس شد و در زمان مسیح در زیر شن‌ها ناپدید گشت. اِئاً^۲ یا انکی خدای اریدو (ترکیبی از هرمس و نپتون)، زیگوراتی داشت که در آن ماهی‌ها قربانی می‌شدند. او صاحب مه^۳، یعنی ۵۱ اصل اولیه تمدن بود. اولین پادشاه به نام «استاغورن^۴»، احتمالاً به عنوان کاهن اعظم انکی حکومت می‌کرد. پس از چند قرن سیل آمد و سلطنت مجبور شد دوباره از بهشت، این بار در اوروک و اور، فرود آید. گیلگمش اکنون در فهرست ظاهر می‌شود. سیل در واقع رخ داده است. سِر لئونارد وولی^۵، لایه ضخیم لجن را در اور، بین دو طبقه مسکونی مشاهده نمود. اسقف جیمز آشر^۶، یک بار محاسبه کرد که جهان بر اساس کتاب مقدس، در ۱۹ اکتبر ۴۰۰۴ قبل از میلاد، در ساعت ۹ صبح خلق شده است. این [فرضیه]، متضمن مفهومی داروینی نیست، اما تاریخی احتمالی را برای تأسیس دولت سومری به دست می‌دهد که مطمئناً دنیای جدیدی را آفرید. ابراهیم از اور کلدانی آمد. سفر پیدایش^۱، مدیون انوما علیش^۷ (اسطوره آفرینش بابلی) است. تنها متن ما، متن بابلی متأخر است و آشکارا بر

۱ - Eridu

۲ - Ea

۳ - the Me

۴ - Staghorn

۵ - Sir Leonard Wooley

۶ - Bishop James Ussher

Genesis - ۶: سفر پیدایش یا تکوین در کتاب مقدس

۷ - Enuma Elish: نامی برای اسطوره آفرینش باب در واقع این نام برگرفته از سطور ابتدایی لوح نوشته آفرینش می باشد و آغازگر این اسطوره است.

اساس نسخهٔ اصلی گمشده سومری می‌باشد. مردوک، خدای جنگ بابل، ظاهراً مجموعه‌ای از شخصیت‌های قبلی منتسب به انکی را در خود دارد. قبل از خلقت جهان به گونه‌ای که ما آن را می‌شناسیم، خاندانی از خدایان حاکم بودند. تیامات (ربّ النوع نمادین زمین و ایزدبانوی دریا در جهان نوسنگی)، که در متن به عنوان اژدها یا مار توصیف شده است، در آن دوران، به اتفاق همسر خویش، کینگو^۱ (مونه اولیّه زن گونهٔ آدونیس / مَموز)، فرمانروایی می‌کند. جوانترین ایزدان از سلطنت او ناراضی هستند. آنها «پر سر و صدا» هستند و تیامات (آنگونه که متن ادعا می‌کند) می‌خواهد آنها را نابود کند، زیرا سر و صدای آنها خواب دیرپای او را بر هم می‌زند. در حقیقت، ایزدان جوان از انجام کارهای مضحک خسته شده‌اند، زیرا هنوز «انسان» وجود ندارد. خدایان پیشرفت می‌خواهند. آنها مردوک را به پادشاهی برگزیده^۲ و علیه تیامات اعلان جنگ می‌کنند. نبرد وحشتناکی در می‌گیرد. مردوک پیروز می‌شود و تیامات را می‌کشد و بدن او را به صورت طولی دو نیم می‌کند. او نیمه‌ها را با فراکشیدن به وسیلهٔ یک طناب محکم، جدا می‌کند. نیمهٔ فوقانی آن، آسمان را شکل می‌دهد و نیمهٔ تحتانی آن، زمین را. سپس کینگو را می‌کشد و جسد او را به صورت کلوخ، مثله می‌کند. ایزدان، ذراتِ خونین را با گل درآمیخته و پیکره‌های کوچک را قالب می‌زنند. بنابراین، انسان‌ها به مثابه رُبات‌های ایزدان خلق شده‌اند. منظومه با ستایش پیروزمندانه مردوک، پادشاه جدید بهشت، پایان می‌یابد. مشخصاً عصر نوسنگی پایان یافته است. خدای شهر، خدای جنگ، خدای فلز، در مقابل ایزدبانوی کشور، ایزدبانوی نسیم و الهه باغ. آفرینش جهان معادل است با ایجاد تمدن، انشقاق، هیرارش^۳ی، ارباب و بردگان، فرادست و فرودست. زیگورات و هرم، تمثیلگر شکل جدید زندگی بودند. با ترکیب انوما علیش و لوح پادشاه، به یک سند مخفی انفجاری در باب منشاء تمدن، نه به عنوان تکامل تدریجی به سوی آینده‌ای اجتناب

۱ - Kingu: موجودی غول مانند که پس از ربوده شدن مومو و آپسو از سوی ایزدان شورش، توسط تیامات خلق گشته و به عنوان دوّمین شوهر تیامات و فرمانده نیروهای وفادار به وی، به مقابله با مردوک می‌پردازد؛ اما با وجود در دست داشتن الواح سرنوشت، مغلوب مردوک گشته و کشته می‌شود تا از خون وی، انسان آفریده شود.

۲ - پس از آنکه آنو (ایزد آسمان) و اِنّا (ایزد آب‌ها و زمین) از مقابله با تیامات در می‌مانند، آنشار (اصل نرینگ و خدای جهان آسمانی) مردوک را فرا می‌خواند و از وی می‌خواهد تیامات و کینگو را در هم کوبد. مردوک این اقدام را منوط به تفویض قدرت از سوی مجلس ایشوکینا به خودش، می‌نماید و در یک گردهمایی، قدرت به او تفویض می‌گردد و به نوعی به برترین ایزد بدل می‌شود.

ناپذیر بلکه به عنوان یک کودتای خشونت‌آمیز، و سرنگونی توطئه‌آمیز جامعه بدوی مساوات طلب عصر حجر توسط عناصری از آدم خواران فرقه جادوی سیاه^۱، دست می‌یابیم. (قربانی کردن انسان، نخستین بار در اسناد باستان شناختی سلسله سووم^۲ اور^۳ به چشم می‌خورد. پدیده‌های وحشتناک مشابهی در اولین سلسله‌های مصر نیز دیده می‌شود). متن مهم دیگر، اینانا، ایزد بانوی اوروک را در حال دزدیدن «مه» یا «اصول تمدن» از انکی اریدویسی، مخترع و صاحب اصلی آن‌ها، توصیف می‌کند. متون بین‌النهرینی، باز، واضح و قابل فهم می‌باشند بر خلاف متون مصری که بیشتر مبهم و ثقیل هستند. خواندن اساطیر سومری به مثابه تبیین فخرآمیز ابداع قدرت هژمونیک، مضامین را کاملاً شفاف می‌کند. سیاست نوسنگی برابری محض، پرستش ایزد بانو، صلح و آرامش نسبی، غذای اضافی، زندگی روستایی و... جای خود را به خشونت و نابرابری پدرسالارانه، بردگی عریان، خدایان جنگ، ستیز، آشوب، مازاد محصول برای گروهی معدود و گرسنگی برای اکثریت، و... داد. و همه اینها به عنوان پیشرفت به تصویر کشیده شد - و هنوز هم کما فی السابقی، به تصویر کشیده می‌شود. حدود ۳۱۰۰ سال قبل از میلاد، خط در اوروک اختراع شد. ظاهراً می‌توانید لحظه‌ای را در لایه‌های باستانشناختی شاهد باشید: یک لایه بدون نوشتن، لایه بعدی، لایه نوشتن. البته نوشتن (مانند دولت) دارای پیشینه بود. از دوران‌های گذشته یک سیستم حسابداری مبتنی بر شمارنده‌های سفالی کوچک به شکل کالاهای (پوست، کوزه‌های روغن، میله‌های فلزی و غیره) رشد کرده بود. همچنین مهرهای حگاکمی شده با تصاویری ابداع شده بود که به عنوان نمادی برای تعیین صاحبان مهرها استفاده می‌شد. شمارنده‌ها و مهر و موم‌ها، روی لوح‌های خاک رس مرطوب فشار داده می‌شدند. سوابق در بایگانی معبد نگهداری می‌شد - احتمالاً سوابق بدهی‌های معبد. (بدون شک، در عصر نوسنگی، معابد به عنوان مراکز بازتوزیع خدمت می‌کردند. در عصر برنز آنها به عنوان بانک شروع به کار کردند). من تصور می‌کنم که، اختراع نوشتن واقعی در میان خانواده ای واحد از نگارندگان معبد، در طول سه یا چهار نسل، به عبارتی یک قرن، اتفاق افتاد. شمارنده‌ها کنار گذاشته شدند و از یک قلم نی برای نقش بستن

۱ - Black magic cult: جادوی سیاه در مقابل جادوی سفید قرار داشته و بیشتر به جادویی اشاره دارد که با توسل به شیاطین انجام می‌گیرد. این اصطلاح برگرفته از باورهای بنی اسرائیل می‌باشد که میان سحر سفید و جادوی سیاه تمایز قائل بودند.

نشانه‌ها روی الواح، بر اساس شکل‌های قدیمی، و با بهره‌گیری از تصویر نگاشت‌های بیشتر و تقلید شده از مهرها، استفاده شد. شمارش به راحتی از ردیف‌شمارنده‌ها، به نشانه‌های اعداد بدل شد. پیشرفت ست‌گ با این جهش حاصل شد که برخی از تصویر نگاشت‌ها را می‌توان فارغ از معنی‌شان، به خاطر صدا و ترکیب آن‌ها، در املاهای کلمات دیگر (مخصوصاً انتزاع)، مورد استفاده قرار داد. ادغام این دو سیستم دست و پا گیر بود، اما شاید کاتبان مگار، آن را یک امتیاز به حساب می‌آوردند. نوشتن باید دشوار باشد، زیرا رازی بود که توسط خدایان فاش گشته بود و در انحصار طبقه جدید کاتبان بود. اشراف به ندرت خواندن و نوشتن را یاد می‌گرفتند - موضوعی که صرفاً مربوط به دیوان سالاران بود - اما نوشتن، با جدا کردن صدا از معنا، گوینده از شنونده، و بینایی از سایر حواس، کلید گسترش دولت را فراهم کرد. نوشتن به مثابه تمایز، جدایی را به عنوان سرنوشت و تقدیر جلوه داده و آن را تقویت می‌نماید. اثرگذاری از راه دور (از جمله با فاصله زمانی)، جادوی دولت، یعنی سیستم کنترل روان را تشکیل می‌دهد. نوشتن، هم ایدئولوژی نوین «آفرینش» است و هم آنرا نمایندگی می‌کند. نوشتن، سنت شفاهی عصر حجر را از میان بر می‌دارد و حافظه جمعی دوران پیش از هیرارشی را محو می‌کند. ما همواره در متن برده بوده‌ایم. کاتبان اوروک (و چند سال بعد کاتبان پیش از سلسله‌های مصر)، با در هم آمیختن تصویر و واژه، در قالب کلیشه‌ها یا هیروگلیف‌های منفرد، یک سیستم جادویی برپا کردند. طبق یک افسانه متأخر یونانی - مصری، زمانی که هرمس - توثن نوشتن را اختراع می‌کند، به پدرش زئوس می‌بالد که انسان‌ها اکنون دیگر نیازی به فراموش کردن چیزی ندارند. زئوس پاسخ می‌دهد: «پسرم! برعکس، اکنون همه چیز را از یاد خواهند برد». زئوس به هدف غیبی متن، یعنی فراموشی شفاهی / شنیداری، حافظه نوشتاری کاذب، و در واقع، متن گم شده، پی برد. وی به یک خلأ پی برد، در حالیکه دیگران صرفاً توده‌ای از اطلاعات را می‌دیدند؛ اما این خلأ، همان غایت نهایی نوشتن است. نوشتن به عنوان روشی برای کنترل بدهی‌های معبد شروع می‌شود، بدهی به مثابه شکل دیگری از انحراف. بعدها، هنگامی که متون اقتصادی تمام عیار به منصف ظهور می‌رسند، خود را در یک دنیای پیچیده اقتصادی مبتنی بر بدهی، بهره، بهره مرکب، بردگی در قبال دین، بردگی عریان، وام، اجاره،

اشکال خصوصی و عمومی مالکیت، تجارت از راه دور، انحصار پیشه‌وری، پلیس و حتی نوعی بازار وام دهی^۱، غوطه ور می‌یابیم. البته پول نه در آن مفهومی که ما می‌شناسیم، بلکه ارزشهای کالایی (معمولاً جو و نقره) که در ازای ۳/۱ درصد سود سالانه، وام داده می‌شدند. جشن یا موسم بخشش بدهی‌ها (همانطور که در کتاب مقدس ذکر شده است)، قبلاً در سومر وجود داشت؛ { چرا که } در غیر این صورت زیر بار بدهی جامعه سومر فرو می‌پاشید. دیر یا زود، بانک (یعنی معبد) با به انحصار در آوردن پول، در صد چاره‌یابی این مشکل بر می‌آید. بانک مدرن نیز کاملاً مشابه با نمونه سومری، با وام دهی دارایی‌های واقعی خود، در قبال بهره‌ای ده برابری و بیشتر، هم بدهی خلق می‌کند و هم پولی برای بازپرداخت آن. پول بی پشتوانه و «رها شده به حال خود». حتی در سومر، بدهکاری پادشاه (دولت) به معبد (بانک)، از مدت‌ها قبل رقم خورده بود. مشکل ارزشهای کالایی این بود که هیچکس نمی‌توانست انحصار گاو یا گندم را داشته باشد. مادّی بودن، آنها را محدود می‌کرد. یک گاو ممکن است گوساله بزاید و جو ممکن است رشد کند، اما نه در حدّ و قواره‌ای که ربا ایجاب می‌کرد. نقره اصلاً رشد نمی‌کند. بنابراین حرکت درخشان بعدی، یعنی اختراع سگّه توسط کرزوس^۲، پادشاه لیدیا (آسیای صغیر، قرن هفتم پیش از میلاد [به منزله] اصلاح پول بود؛ درست همان گونه که اصلاح الفبای یونانی (این مورد نیز در قرن هفتم پیش از میلاد)، اصلاح نوشتن بود. ابتدا، [سگّه] یادبود یا نماد معبد است که نشان دهنده سهم شخص در نذورات عمومی می‌باشد، تگّه فلزی که به وسیله مهر سلطنتی یا مهر معبد (غالباً نقشی از یک حیوان قربانی، مانند گاو نر) ضرب شده است. سگّه، مسیر خود را با مانا^۳ آغاز کرد، چیزی فراطبیعی، چیزی بیشتر (یا کمتر) از وزن فلز. در مرحله دوم: سگّه‌هایی که دو روی را نشان می‌دهند، یکی با تصویر، دیگری دارای نوشته. شما هرگز قادر به مشاهده همزمان هر دو رو نمی‌باشید، امری که بیانگر فریبندگی، متافیزیکی‌ش‌ء است، اما این دو رو در کنار هم، تشکیل دهنده هیروگلیف، کلمه/ تصویر بیان شده در فلز، یا کلیشه‌ای واحد از ارزش، می‌باشند. حقیقتاً سگّه‌ها ممکن است صرفاً ارزشی هم ردیف وزن فلزیشان داشته

۱ - money-lenders' bazaar

۲ - Croesus

۳ - mana: در اساطیر ملانزیایی و پولینزی، مانا نیرویی شفابخش و معنوی است که بر جهان سیطره دارد و هرکس و هر چیزی می‌تواند از آن برخوردار باشد.

باشند، اما معبد می‌گوید بیشتر می‌ارزند و پادشاه آماده اجرای فرامین است. شیء و ارزش آن از از یکدیگر منفک شده‌اند؛ ارزش آزادانه شناور است، جسم دست به دست می‌شود. روشی که پول به واسطه آن عمل می‌نماید، غیبت است نه حضور. در واقع، پول عمدتاً شامل ثروت غایب - یعنی بدهی - است؛ بدهی شما به پادشاه و معبد. افزون بر آن، پول، فارغ از تکیه گاهش در مادیت آشفته ارزهای کالایی، اکنون می‌تواند، بسی فراتر از گاوها و کوزه‌های آبجو، فراتر از همه چیزهای دنیوی، با جاودانگی و حتی با بهشت درآمیزد. بن فرانکلین^۱ مشعوفانه گفت: «پول، پول خلق می‌کند». اما پول مرده است. سگه‌ها اشیایی بی‌جان هستند. با این حساب، پول باید سکسوالیته مرده باشد. کل اقتصاد یونانی - مصری - سومری، خود را به شکلی هوشمندانه در متن هیروگلیف اسکناس دلار یانکی^۲، که محبوب ترین انتشار در سراسر تاریخ است، فشرده می‌نماید. جغد آتنا^۳، یکی از نخستین تصاویر سگه، به صورت میکروسکوپی، در قسمت فوقانی سمت چپ اسکناس، بالای سپر سمت راست نشسته است (برای مشاهده آن به یک ذره بین نیاز دارید) و هرم خوفو^۴ با چشم جهان بین حوروس^۵، یا چشم سراسر بین ایدئولوژی. نشان خاندان واشنگتن (ستاره‌ها و نوارهای راه راه)، همراه با عقاب امپریال^۶ و مجموعه‌ای تیر و.... پرتله‌ای از واشنگتن در مقام ارباب بزرگ ماسونی و حتی اقرار به این که این اسکناس چیزی جز سندی قانونی برای بدهی دولتی و خصوصی نمی‌باشد^۷. از سال ۱۹۷۱، این اسکناس حتی با طلا پشتیبانی نمی‌شود، و بنابراین به متنی محض بدل شده است. هیروگلیف به مثابه کانون جادویی میل، توجه را از شیء به تمثال معطوف می‌دارد. تخیل را به بند کشیده و آگاهی را تعریف می‌نماید. از این منظر، پول پیروزی بزرگ نوشتن را رقم می‌زند، و اثباتی است

۱ - Ben Franklin

۲ - Yankee: پول رایج در ایالات متحده آمریکا

۳ - The owl of Athena

۴ - Pyramid of Cheops: هرمی واقع در جیزه که یکی از اهرام سه گانه می باشد و منتسب به خوفو، فرعون مصر، می باشد.

۵ - the all-seeing eye of Horus: چشم جهان بین حوروس، که به « چشم رع » و « چشم وادجت »

نیز اشتها دارد، نماد حفاظت، سلامت و قدرت در مصر باستان می باشد.

۶ - Imperial eagle، که به نام Aquila heliaca نیز شناخته می شود.

۷- اشاره به جمله درج شده بر روی اسکناس مذکور (THIS NOTE IS LEGAL TENDER FOR)

(ALL DEBTS , PUBLIC AND PRIVATE

بر قدرت جادویی آن. تصوّر، بر اراده اعمال قدرت می‌نماید، اما بر آن کنترلی ندارد. هنگامی که تصوّر به واسطه لوگوس معنامند (یا منحرف) گردید، کنترل وارد عمل می‌شود. نشان (یعنی تصویر به علاوه شرح)، به میل یا احساس، چارچوبی ایدئولوژیک بخشیده و بنابراین، نیروی آن را هدایت می‌کند. هیروگلیف معادل است با تصویر به اضافه کلمه، یا تصویر به مثابه کلمه (معمای تصویری^۱)، از این رو به عبارتی، قدرت و کنترل هیروگلیف بر خودآگاه و ناخودآگاه، جادویی است. بیشتر تحلیل‌های فوق در مورد «اقتصاد سومری»، در سال ۲۰۰۲ نوشته شده است. این مطلب نشان دهنده مهم‌ترین نتیجه پژوهش‌های است که من در حدود سال ۱۹۸۴، برای درک حقیقت نهفته در پشت توهم تاریخ به مثابه پیروزی گرایسی دولت، به انجام رساندم. من تاریخ دین، پول، علم، هنر و فرهنگ، باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، نظریه سیاسی و به ویژه هرمتیسم^۲ را خواندم که مهم‌ترین کلیدهای درک را در اختیار من قرار داد. نتیجه‌گیری من این بود که خود تمدن یک اشتباه بوده است، یعنی انحراف خشونت‌آمیز جامعه بشری از مسیر تکامل ارگانیکش به مثابه فرآیند «یاری متقابل». خاستگاه دولت، کودتایی بود که علیه «سنت‌های اشتراکی»^۳ ای ترتیب داد که نیم میلیون سال راه را بر ظهور دولت بسته بودند. مهم‌ترین نویسندگان [مرجع] تز من، افزون بر اسطوره‌نویسان سومری که صراحتاً پرده از رازها برگرفتند، عبارتند از: انسان‌شناسان مارشال سالینز^۴ (اقتصاد عصر حجر^۵) و پیر کلاستر^۶ (جامعه علیه دولت^۷ و باستان‌شناسی خشونت^۸). من از نیچه و چارلز فوریه و تا حدی از آنارشیست‌هایی مانند کروپوتکین (یاری متقابل^۹)، پرودون (مالکیت دزدی است^{۱۰}) و گوستاو لاندوئر (در باب سوسیالیسم^{۱۱}) بهره بردم.

۱ - Rebus

۲ - Hermeticism: هرمتیسم یا هرمتیسم، عبارت است از فلسفه و مذهبی که بر اساس آموزه‌های هرمس تریسمجستوس ایجاد گشته است.

۳ - Marshall Sahlins

۴ - Stone Age Economics

۵ - Pierre Clastres

۶ - Society against the State

۷ - The Archeology of Violence

۸ - این کتاب تحت عنوان «یاری متقابل، عامل تکامل؛ نقد ایده تنازع بقا در داروینیسم طبیعی و اجتماعی» به فارسی ترجمه شده است.

۹ - Property Is Theft

۱۰ - On Socialism

با این حال، متوجه شدم که آنارشیست‌های کلاسیک هنوز سرمست ایده پیشرفت تکنولوژی هستند، بنابراین لازم بود که ضد تمدن‌گرایان جدیدی نظیر فردی پرلمن و جان زرزان را نیز بخوانم. بعداً متوجه شدم که بسیاری از ایده‌های من توسط دیوید گریبر، به نحوی مستقل، در کتاب «بدهی ۵۰۰۰: سال نخست» به دست آمده است، اگرچه او کمتر از اسطوره‌شناسی و جادو به‌عنوان ابزارهای اکتشافی، بهره برده است. در جلد نخست نوشته‌های زندان: خاستگاه‌های تمدن، اثر عبدالله اوجالان، فوراً پی بردم که برخلاف گریبر، او اسطوره سومری را به همان شیوه هرمنوتیکی که من به کار بسته بودم، بازخوانی کرده است. وی مانند من، عصر نوسنگی بین‌النهرین را به‌عنوان فرهنگی می‌دید که بر اساس اصل زنانه زندگی شکل گرفته بود. این [نظم اجتماعی] به نوعی به واسطه موفقیتش مورد خیانت واقع شده بود. توسعه کشاورزی آبیاری و متالورژی مبتنی بر برنز، آنقدر ثروت و فراوانی به بار آورد که وسوسه مصادره آن به نفع نخبگان حاکم به قدری قدرت گرفت که مقاومت در برابر آن میسر نبود. سرنگونی الهه نه صرفاً نمادی از فاجعه دولت، بلکه به معنای واقعی کلمه، شیوه تاریخی تحقق آن به عنوان آغاز تاریخی بود که ما می‌شناسیم. جوهر دولت در تحلیل اوجالان «برده‌داری» بود: دوران بدهی - بردگی و اسارت مطلق در سیستمی که توسط کاهن - شاهان به نیابت از پانتئون جنگ‌افروز خدایان مرد، اداره می‌شد. معنویت اساسی پاگانسیم نوسنگی، به انحصار در غلتیده، مورد خیانت واقع گشته و توسط هژمون‌های جدید به عنوان ایدئولوژی کنترل اجتماعی تحوّل یافته بود. زین پس دین در خدمت قدرت ستم بود. تمدن و فرهنگ والايش، که مورخان بسیار بدان بها داده‌اند، مشتمل بر شش هزار سال بدبختی برای اکثریت انسان‌ها بوده است؛ {امری} که در سرمایه‌داری و عروج یک درصدی، به اوج خود رسیده است. ما همگی سومری هستیم. در برخی موارد من (با تردید و احترام) با اوجالان اختلاف نظر دارم. او برای عصر نوسنگی ارزش بسیاری قائل است، اما توجه چندانی به عصر پارینه‌سنگی نمی‌کند. در نتیجه، او اهمیت توسعه کشاورزی و اهلی‌سازی را به‌عنوان فناوری‌هایی مشکل‌ساز که مقصدشان برهم زدن تعادل «آداب قدیمی» جامعه قبیله‌ای غیراستبدادی اقتصاد شکار-

۱ - Fredy Perlman

۲ - John Zerzan

جمع‌آوری است، نادیده می‌گیرد. درست است که دولت در دوران نوسنگی ظهور نکرد. این نیز درست است که ما انسان‌های معاصر، نمی‌توانیم به‌طور واقع‌بینانه امیدی به بازگشت به اقتصاد پارینه‌سنگی داشته باشیم - گرچه ممکن است فقط نوعی سناریوی نئولودیتی^۱ اواخر دوران نوسنگی را پیش ببریم! و منطقی است که آنارشیست‌ها آن را (به تعبیر پل گودمن) به «محافظة کاران نوسنگی»^۲ تعبیر نمایند. اوجالان انتقادات قدرتمندی را متوجه فناوری در چنگال سرمایه داری می‌کند - اما مانند بسیاری از مترقی‌ها (از جمله آنارشیست‌ها و مارکسیست‌ها)، وی هنوز علم و فناوری را به عنوان نیروهایی بالقوه مثبت، ارج می‌نهد. در دیدگاه چپ، فناوری خنثی است - با توجه به زیربنای اقتصادی آن، می‌تواند از نظر دیالکتیکی، خوب یا بد باشد. آنچه که چپ تاریخی تا حد زیادی در بررسی آن کوتاهی کرده و به اندازه کافی مایه شگفتی است، جامعه‌شناسی علم/ تکنولوژی می‌باشد. هنگامی که یک اختراع، اجتماعی شد - یعنی در حوزه اجتماعی منتشر گشت - شروع به کار روی آن حوزه و شکل دادن به آن می‌نماید. ما فناوری می‌آفرینیم، اما فناوری نیز ما را خلق می‌کند. درک این موضوع نباید مشکل باشد. «فناوری ارتباطات» که اوجالان آن را به «همایل به ایجاد دمکراسی» تلقی می‌نماید، جنبه تاریکی نیز دارد. این تکنولوژی به همان اندازه برای داعش و دیگر سرکوبگران مفید بوده است که برای «بهار عربی»، «سبزه‌های ایرانی» و دیگر نیروهای مترقی. اما ورای تمام این موارد، دارای گرایش ذاتی برای نابودی اجتماع حقیقی، از طریق القای میانجی‌گری به عنوان بیگانگی - با تحقیر حضور فیزیکی و ارزش‌گذاری بیش از حد تصوّر - است. درک سحر و جادو از دیدگاه «جوردانو برونو» (یا یک متخصص توجیه‌گری^۳ مدرن) به ما کمک می‌کند تا پتانسیل تصویر برای شکل دادن به ناخودآگاه اجتماعی را درک نماییم. تصوّر به خودی خود یک فناوری است یا به شدت فناوری زده شده

۱ - Neo-luddite: پشرفت گریز، اصطلاحی برای اشاره به کارگرانی که در قرن نوزدهم، دستگاه‌ها را عامل بیکاری خود انگاشته و آنها را در هم می‌شکستند.

۲ - Paul Goodman, "Notes of a Neolithic Conservative," New York Review of Books, March ۱۹۷۰, ۲۶

۳ - Giordano Bruno: کشیش، اندیشمند و فیلسوف ایتالیایی (۱۶۰۰-۱۵۴۸) و یکی از شهدای علم که به حکم پاپ کلمنت هشتم، زنده در آتش سوزانده شد.

۴ - spin doctor: متخصص دارای مهارت بیان امور به نحوی که مؤثرتر از واقعیت جلوه نماید. افرادی که به احزاب، شخصیت‌های سیاسی و... مشاوره می‌دهند تا آنان را در بیان امور به سبکی موثر یاری نمایند و اقدامات آنان را توجیه کنند.

است. و تصویرِ فَنّاوری، شاید بسیار واقعی‌تر از خود ماشین‌آلات باشد. اتفاقاً اوجالان نسبت به جنبه معنوی مبارزه با تمدن به عنوان ظلم، به دور از حساسیت است. اگر ادیان رسمی و عامیانه سازمان یافته توسط دولت بخشی از مشکل هستند، او بدعت مخفیانه را بخشی از راه حل می‌داند. از زمان سرنگونی برابری عصر حجر توسط هژمونی ایدئولوژیک، فرقه‌های زیرزمینی و جوامع مخفی، سنت مقاومت را به پیش برده‌اند. اوجالان به طور مشخص از صوفیانی نظیر مولانا، ابن عربی و حلاج و بدعت‌گذارانی مانند کردهای علوی و ایزدی‌ها نام می‌برد. تجربه خود از فرهنگ کردی مبتنی بر ملاقات با صوفیان قادری و بدعت‌گذاران تندرو شیعه به نام «اهل حق» می‌باشد. قرارداد اجتماعی روزاوا هیچ اشاره‌ای به اسلام نمی‌کند (اگرچه یک بار به خدا اشاره می‌کند)، اما به طور مشخص از اقلیت‌های مذهبی مانند ایزدی‌ها و مسیحیان سریانی حمایت می‌کند. اوجالان، هم بنیادگرایی و هم سطحی‌نگری مارکسیستی از مذهب به عنوان «افیون توده‌ها» را، به استهزاء می‌گیرد. به زعم وی، {دین} بار دیگر می‌تواند در بر دارنده پرستش ایزدبانو و معنویت کل‌گرایی اکولوژیکی باشد که شش هزار سال است از دست رفته است، اما غیرقابل بازگشت نیست. به نظر می‌رسد اوجالان شانزده سال است در زندانی در ترکیه محبوس است. البته، من دوست دارم وی را آزاد ببینم، اما احساس می‌کنم منطقی است که او در دنیایی دیوانه و شیطانی مورد آزار و اذیت قرار گیرد، مانند عیسی یا شهدای آنارشیسم یا هر قهرمان دیگر فرودستان. انتظار دارید کجای دیگر یک نابغه سیاسی در سطح جهانی را پیدا کنید جز... زندان؟

من واژه «نابغه» را با اِغماض به کار نمی‌برم. اوجالان، در میان رهبران واقعی انقلاب‌های واقعی در دنیای ماتم گرفته امروزی، تقریباً تنها کسی است که راهی برای خروج از تله‌های ایدئولوژیک چپ و راست، پیشنهاد می‌دهد. راهی نه فقط برای گسست فکری و نظری (گرچه قطعاً مشتمل بر آن نیز هست) بلکه گسستی عملی. او از صخره‌ی تنهایی‌اش الهام‌بخش یک گروه گسترده مسلح و خودسازمانده مردمان عادی گشته است تا از یک استراتژی سیاسی غیراستبدادی واقعی مقاومت در برابر ظلم، و همچنین کار مثبت برای رهایی جامعه بشری استقبال نماید. در این مقاله من حتی به تحلیل عمیق و تأثیرگذار او در خصوص تاریخ، اقتصاد، امور

خاورمیانه، پیشنهادهایی برای آرمان‌شهرگرایی عملی، یا بحث از فرهنگ و سیاست، به ویژه سیاست‌گردی، نپرداخته‌ام. از آنجایی که من یک مورخ ادیان و عرفان تطبیقی، و همچنین یک آنارشیست هستم، می‌خواستم بر دستاوردهای منحصر به فرد اوجالان در این زمینه‌ها تأکید نمایم. اوجالان، رویای یک رنسانس برای خاورمیانه را در سر می‌پروراند؛ رنسانسی که خود را بر جنبه‌های مثبت تمدن نوسنگی و حتی سومری، و همچنین بر علمی‌رها شده از بردگی ستم‌هژمونیک و فاجعه سرمایه‌داری، استوار کند.

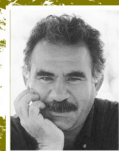
من اغلب پرسیده‌ام که اگر دولت هرگز ظهور نمی‌کرد، امروزه علم چگونه می‌بود؟ اوجالان تلاش کرده پاسخی بدهد - نه صرفاً برای علم، بلکه برای بشریت به مثابه یک کل. سال‌هاست اعتراف کرده‌ام که خوش‌بین بودن غیرممکن است. به نظر می‌رسد نیرووهایی که برای «پایان جهان» کار می‌کنند - ازدیاد جمعیت، فن‌سالاری بیمارگونه، سمی شدن عناصر {آب و هوایی}، پیروزی حرص و آز و «روح کریه» و... - جهت برانگیختن پاسخی خوش‌بینانه، بسیار قدرتمند هستند. بهترین چیزی که توانسته‌ام بدان دست یابم، چیزی است که آن را «ضد بدبینی» می‌نامم، یعنی امتناع از تسلیمیت، به گونه‌ای که گویا خیزش امکان‌پذیر است. و لو صرفاً به دلایل «اگزستانسیالیستی»، بتوان به مفهوم عبث بودن اقدامات مقاومتی، متوسل گشت. زاپاتیست‌ها لحظه‌ای امید به ارمغان آوردند، اما ندایشان برای جنبش‌هایی جهانی همتای نمونه خودشان، گوش شنوایی نیافت. تسخیر وال استریت حدود یک ماه مرا خوشحال کرد. جدای از این... چیز دیگری {برای خوشحالی} نیست. اما بایستی اقرار نمایم که انقلاب روزاوا دوباره امیدهای من را زنده کرد، و خواندن اوجالان، ایمان من را به آرمان آنارشیستی تجدید نمود. البته رسانه‌های لیبرال/چپ آمریکایی، تا حد زیادی از وقوع اتفاق متفاوتی در سوریه بی‌اطلاع هستند. در اینجا وجدان باید به پا خیزد. برای شروع کار، لیست مطالعاتی زیر را پیشنهاد می‌کنم. چه باید کرد؟ - من نمی‌دانم، اما دست کم می‌توانیم چند کتاب بخوانیم!

نوشته‌های زندان، جلد نخست: خاستگاه‌های تمدن، ترجمه کلاوس هاپل، لندن: نشر پلوتو، 2007. نخستین جلد از نوشته‌های زندان، به لحاظ نظری، طولانی‌ترین و غنی‌ترین اثر اوجالان است. اثر مزبور با تجزیه و تحلیل خیره‌کننده و درخشان

از تمدن سومری آغاز می‌شود، که بلافاصله من را به نبوغ وی متقاعد ساخت. نوشته‌های زندان، جلد دوم: پ‌ک‌ک و مسئله کردها در قرن بیست‌ویکم، ترجمه و تصحیح کلاوس هاپل، با مقدمه جمیل بایک، لندن، انتشارات ترانس مدیا، 2011. این جلد به طور خاص به تاریخ شخصی اوجالان می‌پردازد و شامل داستان عمیقاً تکان دهنده تحول سیاسی، فکری و معنوی او می‌شود. وی متواضع است و به اشتباهات خود اعتراف می‌کند. اما اشاره می‌کند که میلیون‌ها نفر به او ایمان دارند و در برابر آنها احساس مسئولیت می‌کند. این جلد، توطئه‌ای (از جمله با همدستی سیا) را نشان می‌دهد که او را به زندان انداخت. نوشته‌های زندان، جلد 3: نقشه راه مذاکرات، کلن، ابتکار بین المللی، 2012. دولت ترکیه از اوجالان دعوت کرد تا طرح خود را برای صلح عادلانه بین ترکیه و کردها ارائه کند. این کتاب محصول این پیشنهاد است. کتاب مزبور، که در سال 2009 نوشته شده است، نشان‌دهنده جدیدترین تفکر اوجالان در مورد آنچه که او «دموکراسی» می‌خواند، است و بنابراین بسیار مرتبط با آزمون روژاوا است. دولت ترکیه هیچ واکنشی نشان نداد؛ به مدت هجده ماه روی متن نشست، سپس از حق ملاقات اوجالان ممانعت به عمل آورد و همه وکلای او را دستگیر کرد. او تا بدین روز همچنان زندان است.

جنگ و صلح در کردستان، کلن: ابتکار بین المللی، 2017 [2009].
کنفدرالیسم دمکراتیک، کلن: ابتکار بین المللی، 2017 [2011] همچنین نسخه کنفدرالیسم
دموکراتیک را در René In der Maur and Jonas Staal, ed کتابخوان شماره 5 آکادمی جهان
جدید؛ دموکراسی بدون دولت، اوترخت: 2015 NL BAK-Basis voor Actuele Kunst

این مقاله، ابتدا در «تصور بی باکانه: انقلاب روژاوا»، اثر دیلار
دیریک، دیوید لوی اشتراوس، مایکل تاوسیگ و پیتز لمبورن
ویلسون (بروکلین، نیویورک: اتونومدیا، ۲۰۱۶)، انتشار یافت.



پیتر لامبورن ویلسون نویسنده ، ویراستار و مترجم
بیش از پنجاه کتاب است که برخی از آنها به پانزده
یا شانزده زبان (از جمله ترکی) ترجمه شده‌اند .
عناوین اخیر عبارتند از : سفرهای معنوی یک
آناشپیست (سان فرانسیسکو/ بروکلین، نیویورک) ،
مقاصد معنوی یک آناشپیست (سانفرانسیسکو/ بروکلین
، نیویورک) و دگر اندیشی ، یادداشت های آناشپیستی
، هنر آناشپیستی (بروکلین، نیویورک) . لامبورن در
دهه ۱۹۷۰، چندین بار از شرق کردستان (کوردستان
ایران) دیدن کرد تا با درویش قادری و اهل حق
همنشینی کند .

پیتر لامبورن ویلسون

عبدالله اوجالان

ابتکار عمل آزادی برای اوجالان

Peter Lamborn Wilson
Abdullah Öcalan
International initiative